

درباره نمایش های «کافه کات»، «چخفته» و «رمثو و ژولیت»

موفق‌های امروز تئاتر را بشناسید



رمثو و ژولیت



چخفته



کافه کات

وقابل اعتناست واستقبال خوب تماشاگران گواه این مسئله.

نمایش سوم-رمثو و ژولیت

همکاری نوشین تبریزی در مقام نویسنده با سیما تیرانداز در جایگاه کارگردان، این بار هم توانسته نمایشی مفرح و پر جنب‌وجوش را رقم زند. اجرایی که یادآور نمایشی است که سال‌ها پیش سیما تیرانداز در آن بازی کرده به نام «همین» به کارگردانی افسروز فرزند. این قبیل نمایش‌ها را می‌توان نوعی متا-تئاتر در نظر گرفت. روایتی از ساخته شدن یک نمایشی که قرار است بعد از تمام شدن اجرا، بر صحنه آید. سیما تیرانداز و گروه اجرایی‌اش، به خوبی توانسته‌اند در زمانی ۷۰ دقیقه‌ای، فضای دشوار و اغلب پر تنش تولید تئاتر در ایران را این روزها باز نمایند. فی‌الواقع آماده‌سازی یک نمایش تا لحظه آخر می‌تواند دچار مشکلاتی ناهنگام شود که ساختار، داستان و صحنه‌پردازی‌های یکسره متفاوت را رقم زند. طنز ماجرا در این نمایش بی‌شک اینجا شکل می‌یابد که مابین بازیگرانی که مشغول آماده کردن نمایش «رمثو و ژولیت» هستند، چندین زوج رمثو و ژولیت‌وار وجود دارد که زندگی عاطفی‌شان در معرض جدایی و گسست قرار گرفته و به مانند رمثو و ژولیت، در آستانه فراق از یکدیگر قرار دارند. سیما تیرانداز با تجربه‌ای که در این سال‌ها همکاری با گروه‌های مختلف تئاتری و سینمایی کسب کرده، توانسته است تمامی عناصر صحنه‌ای استفاده کرده و اجرایی مفرح، شاداب و مخاطب‌پسند ارائه کند. به هر حال در زمانه‌ای که هزینه‌های تولید بالا رفته و وضعیت عمومی جامعه چندان رضایت‌بخش نیست، اجراهایی چون «رمثو و ژولیت» می‌تواند مثبت باشد. چه به لحاظ فرمال و چه از لحاظ محتوایی، با اثری که کمابیش انضمامی و طنزانه در نسبت با واقعیت این روزهای مان روبرو هستیم. رمثو و ژولیت که هیچ‌گاه بر صحنه نخواهد آمد چرا که پیش از این رابطه رمثو و ژولیت‌هایش از هم گسسته است.

چخوف را تا حدودی به ذهن متبادر می‌کند و گاهی گرفتار گفتار سوپر ایگوی نویسنده در باب زندگی و مرگ می‌شود. پس بی‌جهت نخواهد بود اگر این نکته را متذکر شویم که چخفته وقتی چخوفی است کمابیش موفق عمل می‌کند و به وقت دوری از آن، ملال‌انگیز و محنت‌زا می‌شود. فی‌المثل دیالوگ‌هایی که در فضای داخلی قطار در حال حرکت رد و بدل می‌شود و یادآور جهان چخوفی است با تماشاگران ارتباط خوبی برقرار می‌کند و به نوعی شکفته/چخفته می‌شود. اما در لحظاتی که یکی از شخصیت‌ها رو به تماشاگران ایستاده و مونولوگی ملال‌انگیز را بر سیاق گفتار سوپر ایگوی نویسنده بر زبان می‌آورد تبدیل به یک نمایش غیر چخوفی خسته‌کننده می‌شود. به لحاظ اجرایی این نمایش تلفیقی است از رئالیسم و انتزاع‌گرایی. بازی‌ها اغلب گروتسک و اغراق‌شده و در خدمت حال و هوای چخوفی است. اما طراحی لباس متحدالشکل شخصیت‌ها به اجرا ضربه زده و باز نمایی ژست‌های قرن نوزدهمی مردمان روسیه را تا حدودی مختل کرده است. همچنان که طراحی صحنه این نمایش بر چشم‌اندازهای چخوفی چندان گوشه‌نویس نیست و احساس فشردگی را انتقال می‌دهد. اما با تمامی این نکات ذکر شده «چخفته» کمابیش تماشایی

در زمانه‌ای که هزینه‌های تولید بالا رفته و وضعیت عمومی جامعه چندان رضایت‌بخش نیست، اجراهایی چون «رمثو و ژولیت» می‌تواند مثبت باشد. چه به لحاظ فرمال و چه از لحاظ محتوایی، با اثری که کمابیش انضمامی و طنزانه در نسبت با واقعیت این روزهای مان روبرو هستیم

مدام جایگاه ست‌گرم و ستم‌دیده را عوض کرده و برایشان در مواجهه با صاحب کافه، گاهی رقیب، گاهی رفیق و گاهی غریبه هستند، تکراری از تپه‌های اجتماعی را به نمایش می‌گذارند. زناتی جوان که در دام عشق دروغین کارفرمای دوزخ‌خویش گرفتار آمده و اغلب مجبور شده‌اند با سقراط جینین، رابطه مسئله‌سازشان با «کی‌سان» یا همان صاحب کافه را از دیگران پنهان کنند. این سه زن علیه مردسالاری منحنط «کی‌سان» قیام می‌کنند و در تدارک قتل او هستند. اما این تمامی ماجرا نیست و روایت ۱۲۰ دقیقه‌ای نمایش، در چند پرده، جایگاهی موقعت‌فائل‌ها و مقتول‌ها را نشان می‌دهد. به دیگر سخن حسین کیانی در مقام نویسنده و کارگردان، با رویکردی نسبت‌بایزانه، نمی‌تواند موضع قاطعی در قبال کنش‌ورزی شخصیت‌هایش اتخاذ کند.

بازیگران اغلب حرفه‌ای نمایش یکی از نقاط مثبت این اجراست. ترکیبی چون بهروز پنهاننده و الهیه شهپرست و کهبند تاراج و ساناز روشنی و... که سبایقه همکاری با یکدیگر را دارند و به یک هماهنگی اجرایی رسیده‌اند و اینجام توانسته‌اند همدلانه در خدمت نمایش باشند.

نمایش دوم-چخفته

چخفته محصول گروه جوانی است که اغلب به تازگی وارد عرصه نمایش شده‌اند. اجرا و مدار متون مختلف چخوفی است. باار جاع به جزیره سخالین. لحن و روایت این اجرا، طنز و ملال

کابوس‌وار نمایش از طریق انتزاعی شدن فضا و مناسبات بر ساخته می‌شود. کافه‌ای که هیچ‌گاه مشتری ندارد و گویی در یکی از شب‌های ملتهب پاییز تهران، مجبور شده بسته بماند و پذیرای کسی نباشد. با آنکه حسین کیانی در آخرین نمایش خویش، کمابیش از درام تاریخی فاصله گرفته و به اینجا و اکنون ما نزدیک شده، اما همچنان رگه‌هایی از هراس و بی‌اعتمادی مابین آدم‌ها و آدم‌ها، آدم‌ها با اشیا و آدم‌ها با فضا و مکان، مشاهده می‌شود.

سه زن نمایش که بنابر موقعیت پیش آمده برایشان در مواجهه با صاحب کافه، گاهی رقیب، گاهی رفیق و گاهی غریبه هستند، تکراری از تپه‌های اجتماعی را به نمایش می‌گذارند. زناتی جوان که در دام عشق دروغین کارفرمای دوزخ‌خویش گرفتار آمده و اغلب مجبور شده‌اند با سقراط جینین، رابطه مسئله‌سازشان با «کی‌سان» یا همان صاحب کافه را از دیگران پنهان کنند. این سه زن علیه مردسالاری منحنط «کی‌سان» قیام می‌کنند و در تدارک قتل او هستند. اما این تمامی ماجرا نیست و روایت ۱۲۰ دقیقه‌ای نمایش، در چند پرده، جایگاهی موقعت‌فائل‌ها و مقتول‌ها را نشان می‌دهد. به دیگر سخن حسین کیانی در مقام نویسنده و کارگردان، با رویکردی نسبت‌بایزانه، نمی‌تواند موضع قاطعی در قبال کنش‌ورزی شخصیت‌هایش اتخاذ کند.

«کافه کات» را می‌توان اثری قابل تامل در کارنامه هنری حسین کیانی دانست. نمایشی که در فضاسازی کمابیش موفق عمل می‌کند، اما به لحاظ ای‌دئولوژی، به تمامی نمی‌خواهد یابانی تواند موضع قاطعی در قبال کنش‌ورزی شخصیت‌هایش اتخاذ کند. بازیگران اغلب حرفه‌ای نمایش نیز یکی از نقاط مثبت این اجراست

محمد حسن خدایی

با نگاهی به سالن‌های تئاتر و بازگشت بعضی گروه‌های اجرایی به صحنه، می‌توان رونق نسبی را در اجراهای تئاتری این روزها مشاهده کرد. البته در این میان، شوربختانه سالن‌هایی مانند «شانو» و «دیوار چهارم» کارشان به تعطیلی کشانده شد و سالن‌های دیگری چون «سپند» همچنان گرفتار مشکلات قانونی با نهادهایی چون شهرداری هستند. اما خبر خوب اینکه پر دیس تئاتر شهرداری با اجراهای تازه، بار دیگر میزبان گروه‌های اجرایی خواهد شد. باید توجه داشت که همچنان صحنه تئاتر کلانشهر تهران، از هنرمندان با سابقه عرصه نمایش خالی است و در قیاس با قبل از جنبش اجتماعی اخیر، کیفیت پایین‌تری عرضه می‌کند. به هر حال نهاد اجتماعی تئاتر نمی‌تواند نسبت به وقایع اجتماعی و سیاسی کشور بی‌تفاوت بوده و همچنان بر مدار گذشته به تولید و اجرای تئاتر مشغول باشد. بنابراین وضعیت این روزهای تئاتر کشور را می‌بایست واکنشی طبیعی به حال و هوای سیاسی مملکت دانست و از این منظر به حضور یا امتناع هنرمندان را به مذاقه نشست. این هفته و بنابر سنت این چندماه اخیر که در روزنامه توسعه ایرانی داشتیم، نگاهی می‌اندازیم به سه نمایش با اهمیت این روزهای تئاتر.

نمایش اول-کافه کات

حسین کیانی در این نمایش به زمان حال می‌پردازد. جهانی خوفناک در دل یک کافه که سرنوشته مشترک و دردناک زناتی که در آن مکان مشغول کار هستند، امکان همبستگی و صدمه‌البت شورش علیه حاکمیت مردسالارانه را مهیا کرده است. لحن روایی اجرا میان رئالیسم و اکسپرسیونیسم سرگردان است. تقابل امر ذهنی با واقعیت سخت اجتماع، مقدمه‌ای شده از برای سیالیت همه جانبه. در این فضای رفت و برگشت دائمی، زنان در پی عاملیت هستند و بنابر این نقشه‌کشن مرد صاحب کافه رامی‌کشند. جهان

میراث

یادداشتی از اشکان زارعی؛

فرجام گورستان اشکانی شهر اهواز به کجا خواهد انجامید؟



باستان‌شناسی و پژوهشی برجسته‌ی بر خوردار هستند، بی‌هیچ پیگیری به حال خود رها شده‌اند. از این رو بی‌بیم آن می‌رود گورستان نوبافته‌ی اشکانی نیز دچار سرنوشتی مانند نمونه‌های پیش گفته گردیده، خواسته یا ناخواسته به فراموشی سپرده شود. به گواه گزارش‌ها و پژوهش‌های کتابخانه‌ای و کاوش‌های باستان‌شناسی، اهواز کنونی بر ویرانه‌های شهر ساسانی هر مز را دشر که روزگاری از نامی باشکوه و جایگاهی ارزنده برخوردار بوده، ساخته شده است. برخی از خداندگان (واقع‌نویسان) ساختار این شهر را به دست اشکانیان و بعضی دیگر به فرمان اردشیر ساسانی می‌دانند.

اشکان زارعی در یادداشتی به تاریخ کشف گورستان اشکانی اهواز پرداخت و حال و روز این روزهای این گورستان را نقد کرد. نزدیک به یک سال از پیدایش گور خمرهای برآمده از داده‌های باستانی در فاز ۴ کوی ملت (کوروش) اهواز می‌گذرد. گورستانی نوبافته که به باور کارشناسان نشانی از روزگار اشکانیان دارد. چنان که در چهاردهم تیر ماه سال ۱۴۰۱ خورشیدی معاون وقت اداره‌ی کل میراث فرهنگی خوزستان این نکته را در گفتگو با خبرگزاری فارس یادآوری کرد: «در این گورستان تاریخی گور خمرهایی سفالی و نخودی رنگ با نود و دوازده شیشه به تدفین‌های اواخر اشکانی و اوایل ساسانی کشف شده است و در آینده نزدیک با مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی نسبت به کاوش گسترده در این محوطه اقدام می‌شود و اقدامات لازم برای ثبت عملی آن صورت خواهد گرفت.»

اما تاکنون نه تنها کاوشی در این زمینه انجام نگرفته است، که شوربختانه فر نشین (مدیر اداره‌ی میراث فرهنگی اهواز و معاونت میراث اداره کل میراث فرهنگی خوزستان نیز از برنام‌ها و رویکرد خویش بی‌امون این گستره‌ی تاریخی سخنی نگفته‌اند، که این جستار خود به بدگمانی‌های پاره‌پاره‌ی پیشین دامن می‌زند. زیرا در دو دهه‌ی گذشته سازه‌ها، دیوارها، لایه‌ها، آوند‌های سفالی و گور خمرهای بسیاری از دل خاک این شهر بیرون آمد، که بای می‌پهری و چشم‌پوشی دست‌اندر کاران میراث فرهنگی سر به مهر مانده‌اند. گاه نیز برخی گستره‌های تاریخی مانند: تپه‌های باستانی فرانسه، تپه‌های روستای ردا، سه‌راه صنایع فولاد، خرم‌کوشک، هفت‌پیرون «چنیه» و زمین‌های پشت‌نیرو گاه زرگان که به شوند (دلیل) داشتن نشانه‌هایی از کارگاه شیشه‌گری دوران اشکانی از جایگاه

ورود دادستانی برای حفاظت از میراث ۶ هزار ساله گلستان

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان گلستان برای حفاظت و پیشگیری از آسیب بیشتر به تپه باستانی بازگیر مینودشت ورود کرده به گزارش روابط عمومی دادگستری گلستان، محمود اسپانلو در جلسه کارگروه حقوق عامه که برای بررسی وضعیت تپه تاریخی بازگیر برگزار کرد از میراث فرهنگی استان خواست هر چه زودتر برای تعیین تکلیف خانه‌های حریم این تپه باستانی اقدام کند. دادستان اسپانلو گفت: میراث فرهنگی باید در کوتاه‌ترین زمان اقدامات لازم برای تعیین تکلیف خانه ۱۰ خانوار روستایی ساکن در حریم این تپه باستانی در روستای بازگیر مینودشت، اقدام و در کوتاه‌ترین زمان، مهیادات مورد نیاز برای جابه‌جایی این خانوارها را اتخاذ و عملی کند. وی افزود: میراث فرهنگی همچنین باید اقدامات ایمنی در محدوده کاوش‌های باستان شناسی در تپه بازگیر، برای جلوگیری از احتمال سقوط افراد، انجام دهد. وی ادامه داد: گماردن نیروهای یگان حفاظت میراث فرهنگی برای حفاظت از این میراث ملی از دیگر مواردی بود که در این جلسه برای اقدام فوری تأکید شد. اسپانلو گفت: دهیاری روستای بازگیر هم به جمع آوری زباله‌ها از محدوده این تپه باستانی و کمک به حفاظت از آن مکلف شد. دادستان مرکز استان گلستان گفت: اگر وعده‌های میراث فرهنگی برای جابه‌جایی خانواده‌های ساکن در حریم این تپه باستانی و حفاظت از این میراث تاریخی محقق نشود از باب حقوق عامه ورود می‌کنیم و پرونده ترک فعل برای متولیان تشکیل می‌دهیم. تپه باستانی بازگیر در ۲ کیلومتری شمال شهر مینودشت در شرق استان گلستان قرار دارد و سال ۱۳۷۹ به ثبت ملی رسید. تاکنون آثاری از دوره‌های مس و سنگ، مفرغ قدیم، مفرغ پایانی، آهن، دوره اشکانی و دوره اسلامی در این ناحیه تاریخی ۶ هزار ساله شناسایی شده است.



بزرگاری نمایشگاه پیشگامان هنر نوگرای ایران

نمایشگاه پیشگامان هنر نوگرای معاصر ایران جمعه ۲۹ اردیبهشت ماه در نگارخانه لاله گشایش می‌یابد. به گزارش ایلنا، هنر نوگرای «هدرن» به مجموعه آثار و اندیشه‌های هنری گفته می‌شود که در نیمه دوم سده ۱۹ میلادی تا دهه ۱۹۷۰ میلادی رشد کردند و در آن‌ها سنت‌های هنری کلاسیک جای خود را به نوآوری‌های شخصی در بهره‌گیری از ابزارهای هنری و کاربردهای هنر دادند. این نمایشگاه با حضور ۱۷ هنرمند و ۳۳ اثر به نمایش در خواهد آمد. آثار هنرمندان به ترتیب شامل هانیبال الخاص، فرامرزی پیل آرام، زازه تبتابایی، پرویز شاپور، بهجت صدر، مسعود عرشپاشا، مکره هفت‌قبری، منصور قندریز، رضامافی، حسین محجوبی، اردشیر محمص، بهمن محمص، محمد مدبر، مرتضی ممیز، منوچهر نیازی، محمد علی کمال هدایت و منوچهر یکتایی است. نمایشگاه روز جمعه ۲۹ اردیبهشت از ساعت ۱۲ تا ۱۶ بازگشایی می‌شود. علاقمندان می‌توانند برای بازدید آثار به نگارخانه لاله، واقع در خیابان دکتر فاطمی، ضلع شمالی بوستان لاله، روبروی پارک کینگ طبقاتی لاله مراجعه کنند.



حضور فیلم کوتاه «یک آغوش کوتاه» در بازار فیلم جشنواره کن

فیلم کوتاه «یک آغوش کوتاه» به کارگردانی امیرمهدی صادقی و علی شیخی و تهیه‌کنندگی حمید انجوی در بازار فیلم جشنواره کن حضور دارد. به گزارش و ششمین جشنواره فیلم کن حضور دارد. به گزارش ایلنا، آنتیا باقری، کاوه فرجام‌منش و فائزه بختیار در فیلم کوتاه «یک آغوش کوتاه» ایفای نقش داشته‌اند. فهرست عوامل این فیلم کوتاه عبارتند از: نویسنده: علی شیخی، مدیر فیلمبرداری: علی شیخی، طراح صحنه و لباس: ریحانه احمدی، طراح گریم: مسعود سمنانی، مجری گریم: نجمه انصاری، صدابردار و طراح و ترکیب صدا: سامان شهابت، تدوین: امیرمهدی صادقی و علی شیخی، اصلاح رنگ و نور: فرید جلالی، عکاس: سینا وحید راوی، طراح تیتراژ: مهیار مهرنوش، مترجم: حسن شرف‌الدین زریز نویسن: رضا تارپوری، دستیار کارگردان: امیرصفتی، دستیاران فیلمبرداری: مجتبی نظری و سعید صفایی، دستیار صدا: جابر انصاریان، مجری طرح: امیرمهدی صادقی.

